

ارزیابی قاعده فقهی امر به معروف و نهی از منکر در تحقق حقوق شهروندی

داریوش بخردیان^۱

هادی چوگانی^۲

چکیده

نظام حقوقی در اسلام به شکل قابل توجهی تحت تأثیر اصول و قواعد فقهی قرار دارد. این موضوع بیش از هر چیز ناشی از استنباط احکام و قواعد حقوقی از دل متون و اصول فقهی است. از جمله قواعد فقهی که نقش مهمی در زندگی اجتماعی و تنظیم روابط حقوقی میان افراد جامعه بر عهده دارد، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر به دلیل ارتباط همه جانبه‌ای که با حوزه حقوق شهروندی دارد، نیازمند بررسی و ارزیابی آن از حیث کارکردی است. بدین معنا که اگر حوزه حقوق شهروندی شامل عدالت، تعاون و مشارکت میان شهروندان، آزادی، اخلاق و قانونمندی، تلاش برای دستیابی به خیر جمعی و همکاری جمعی است، قاعده فقهی امر به معروف و نهی از منکر از چه راه‌هایی می‌تواند بر این موضوع اثرگذار باشد؟ پژوهش حاضر به این نتیجه دست یافت که امر به معروف و نهی از منکر به دلیل توجه به دو بُعد مهم حقوق شهروندی از جمله حقوق و تکالیف نقش مهم و قابل توجهی در توسعه حقوق شهروندی اسلامی و دستیابی به اهداف نظام اسلامی بر عهده دارد. این رویه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نمود یافته است. توجه به حقوق شهروندان برای حصول به خیر جمعی، مشارکت در امور، زیست اخلاقی مطلوب و همچنین ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در میان آحاد جامعه از جمله کاربردهای مؤثر قاعده مذکور در حوزه حقوق شهروندی است. برای نیل به این هدف، رعایت حریم خصوصی افراد، صحبت به زبان نرم و ایجاد آرامش در جامعه نقش مهمی دارد.

کلمات کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، حقوق شهروندی، مسئولیت‌پذیری، حقوق، تکالیف.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

راه‌های نیل به حقوق شهروندی متعدد و گسترده است. گام آغازین آن است که حاکم شدن قانون و برابری همه مردم در پیشگاه قانون یکی از مهم‌ترین ادله عقلی برای تقویت و شکل‌گیری اعتماد عمومی در جامعه است. شکل ساده این ادله آن است که قانون زمینه‌ساز اعتماد میان مردم است که از طریق آن، مردم نسبت به حقوق شهروندی خود آگاه می‌شوند و برای رسیدن به آنان در یک شرایط مساوی قرار می‌گیرند. بنابراین راه اساسی برای دستیابی به حقوق شهروندی، حاکمیت قانون و دخالت و مشارکت مردم در امور مختلف است. این رویکرد به معنای پاسخگو کردن مردم در قبال اعمال و رفتارهای خود و همچنین احساس مسؤلیت در قبال رفتارهای دیگران است. بر این اساس، حساس شدن در قبال اعمال ناپسند از یک‌سو و تشویق به امور نیک و معروف، اقدامی اساسی در زمینه پیوند امر به معروف و نهی از منکر با حقوق شهروندی است. حقوق شهروندی و اعطای حقوق به همه افراد جامعه بخش مهمی از رویکرد عقلا نسبت به جلب اعتماد عمومی در جامعه است. شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که برای شناخت هر چه بهتر افرادی که درون یک جامعه زندگی می‌کنند و تشخیص نوع روابط اجتماعی آن‌ها و به‌گونه‌ای هدایت آن‌ها خلق شده است. شهروندی بخشی از حقوق اجتماعی و مدنی هر فرد انسانی تلقی می‌گردد که در قبال پیروی و رعایت ضوابط و تکالیف عمومی و اجتماعی، نهادهای عمومی را به حمایت از خود فرا می‌خواند. (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۱)

امروزه حقوق شهروندی به معنای به رسمیت شناختن حقوق آحاد انسانی در یک سرزمین است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدنی دارد. در این صورت شهروندی به معنای اعتماد عمومی و پذیرش حقوق مردم، باور به حقوق و مسؤلیت‌های شهروندان و ایجاد ارتباط متقابل میان مردم و نظام سیاسی است.

پس شهروند یعنی کسی که دارای منزلت اجتماعی است در نگرش به جامعه که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند و بدو اعتماد می‌شود. شهروند نیز با به رسمیت شناخته شدن حقوق خویش، نسبت به سایر شهروندان و نظام سیاسی نیز اعتماد حاصل می‌کند. در هر صورت، این حقوق عبارت است از: حقوق مدنی شامل آزادی بیان و برابر در مقابل قانون، حقوق سیاسی، شامل حق رأی و ایجاد شکل صنفی و سیاسی، حقوق اقتصادی شامل رفاه اقتصادی و تأمین اجتماعی، پس با این تعاریف حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌گردد. (روشن و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰) این حقوق به واسطه ارتباطی که میان مردم و نظام سیاسی وجود دارد و اعتمادی که در طی زمان کسب شده، حاصل می‌گردد. با عنایت به اهمیت موضوع حقوق شهروندی، هدف پژوهش حاضر، بررسی ارزیابی قاعده امر به معروف و

نهی از منکر در جهت تحقق حقوق شهروندی است. بنابراین سؤال این است که قاعده مزبور از چه راه‌هایی بر حقوق شهروندی اثرگذار است؟

امر به معروف و نهی از منکر در لغت و اصطلاح

معروف در لغت به معنای شناخته شده و منکر به معنای ناشناس است. در اصطلاح به کارهایی معروف گفته می‌شود که به حکم شرع یا عقل، نیک شمرده می‌شود چه واجب باشد چه مستحب، کارهای زشت و ناپسند، چه حرام و چه مکروه، نزد فطرت پاک آدمیان از امور ناشناس به شمار می‌آیند. (ر.ک: منتظری، ۱۳۷۳، ص ۳۲۱). معنای دیگر: وا داشتن به نیکی و بازداشتن از بدی (هاشمی، ۱۴۲۶ ق، ۱/۶۶۰) مراد فقها از امر و نهی، مطلق برانگیختن کسی بر انجام یا ترک چیزی است، خواه به گفتار یا کردار.

دلایل عقلی و نقلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر

برای اثبات و تنقیح قاعده امر به معروف و نهی از منکر به آیات و روایات متعددی استناد شده است که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود.

آیه اول: از شمار آیاتی که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ». (آل عمران / ۱۱۰). در کنزالعرفان آمده است: کان تامه بوده و به معنای «وجدتم» است و «خیر امة» منصوب است، چون حال مقیده است. «أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» یعنی به سود مردم و اینکه برخی به دیگران نفع رسانید: این جمله، اجمال جمله تفصیلی بعدی «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» است که حال «کنتم» نیست، بلکه حال «خیر امة» است پس وجود امت مقید به خیریت بوده و خیریت مقید به امر به معروف و نهی از منکر است. مقصود این است که از شمار کارهای امت، امر به معروف و نهی از منکر است نه آنکه این ویژگی و صفت هم اکنون در ایشان وجود دارد، وگرنه لازم می‌آید اینان در حال خواب و سکوت از امر و نهی، بهترین امت نباشند. صاحب «کنزالعرفان» در ادامه چند نکته سودمند ارائه می‌کند و می‌گوید: ۱- گفته شده «تأمرون بالمعروف» جمله مستأنفه و خبر است که مقصود «امر» است. مانند «و الوالدات یرضعن اولادهن». (بقره/۲۳۳) بنابر هر دو تقدیر، ظاهر آیه بر وجوب عینی امر و نهی دلالت دارد، چون مطلق است نظریه صحیح‌تر همین است. مقصود از دو تقدیر این است که «تأمرون بالمعروف» جمله استینافیه یا قید «خیر امة» است. واضح است که آیه در مقام مدح است و دلیل مدح، حال و صفت مذکور «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» است. اما استفاده حکم وجوبی از این آیه مشکل است چه بگوییم آیه درباره کسانی است که در صدر اسلام بودند، یعنی مهاجران و انصار که از پیشگامان

نخست‌اند یا بگویم درباره تمامی مسلمانان، از ابتدا تا انتها است و یا بگویم آیه درباره گروه مخصوص است. اما اینکه جمله «تامرون بالمعروف» استینافیه باشد، ثابت نشده است.

آیه دوم: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله». (توبه ۷۱). از ظاهر «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم أولياء بعض» برمی آید که جمله خبری بوده ولی مقصود انشاء است نه خبر محض؛ زیرا در واقع و بیرون اولیا [=یاور] یکدیگر نبودند و مقصود آیه آن است که بر مؤمنان لازم است برخی یاور و عهده امور دیگران و ناظر و مراقب باشد در قرآن، اولیا معنایی جز این ندارد اما اگر در مورد کافران و ظالمان، اولیا آمده از باب استهزا و ریشخند است. به هر روی، مناسب انشاء است چون از آن انشا برمی آید، گرچه به صورت اخبار است. در غیر این صورت، کذب لازم می آید زیرا همه مؤمنان چنین [=اولیای یکدیگر] نبودند. اطلاق «معروف» به واجبات شرعی، عقلی و عقلایی مقید می شود و به سبب تقدم ظهور فعل بر ظهور متعلق، موارد دیگر را شامل نمی گردد.

آیه سوم: اگر احکام شرایع و ادیان گذشته را استصحاب کنیم و بر این باور باشیم که نسخ نشده‌اند، و حق نیز همین است آیه زیر یکی دیگر از آیاتی است که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد: «يَا بَنِي آدَمُ اصَلُّوا وَاْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرُوا عَلٰى مَا اَصَابَكُمْ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ». (لقمان/۱۷). بعضی نیز در این زمینه گفته‌اند: آیه مزبور، بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر مسلمانان دلالت ندارد، بلکه پنجاهای لقمان به فرزندش را بازگو می کند. گرچه نصیحت با ظهور امر در وجوب منافاتی ندارد. برخی خطابه‌های خداوند مانند «واصبر» که برای رجحان است، موجب رفع ید از ظاهر دیگر امرها نمی شود.

آیه چهارم: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِيْنَ ظَلَمْتُمْ مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ». (انفال/۲۵) «در میزان» می گوید: کلام الهی این گونه معنا تأویل می شود که مسلمانان از کنار اموری که در امر اختلافات داخلی وحدتشان را تهدید می کند و موجب دودستگی می شود و یکپارچگیشان را از بین می برد، به آسانی نگذرند. پس می افزاید: این فتنه‌ای است که گروهی خاص، یعنی ستمکاران انجام می دهند، اما اثر گناه فراگیر است و همگان را در برمی گیرد و در نتیجه، دچار ذلت و خواری می شوند و در اثر اختلاف میان خود به تلخ کامی گرفتار می آیند اما همگی نزد خدا مسؤل اند، کیفر خدا سخت و شدید است. صاحب «المیزان» پیش از این گفته است: «مقتضای چنین وضعی آن است: به رغم اینکه فتنه مذکور توسط برخی از افراد قوم به پا شده، اما بر همه امت است که مباردت به دفع فتنه کرده ریشه آن را بر کنند و شعله آتش فتنه را فرو نشانند، از طریقی که خداوند بر آنان واجب کرده؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر. (طباطبائی، ۱۳۹۲، ۴۹/۹-۴۸) اما چنین برخوردی محض برخی منکرات اجتماعی است.

شروط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم بارها مسئله امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک وظیفه برای جامعه اسلامی بیان کرده است. در نظام اعتقادی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر جایگاه خاصی دارد و مترتب بر احکام و شروطی است که بدون فهم آنها نمی‌توان به تفکیک جایگاه این نهاد در عرصه‌های متقابل دولت و ملت بر همدیگر پرداخت در باب امر به معروف و نهی از منکر اکتفا کردن به مطلق و جوب کافی نیست. اکتفا کردن به مطلق و جوب کافی نیست. بلکه باید به احکام و شروط مترتب بر آن نیز توجه کرد. در میان فقیهان و عالمان دین، معروف است که امر به معروف و نهی از منکر مشروط به چند شرط است و بدون آنها این عمل واجب به شمار نمی‌آید. ۱- شناخت معروف و منکر ۲- احتمال تأثیر ۳- اصرار بر ادامه منکر و ترک معروف ۴- مفسده انگیز نبوده اجرای آن (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۴۳۷، محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۱۱).

علاوه بر این، شرط دیگری نیز وجود دارد که اگرچه به صراحت در شروط مذکور نیامده اما وجود آن در کنار این شرط لازم است. لازم به ذکر است که مؤید این شرط احادیث و فتاوی بعضی از مفسران و فقهاست. حضرت علی (ع) در خطبه ۲۹ نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: نفرین بر آنان که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و خود مرتکب آن می‌شوند (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰) هر یک از شروط نیازمند بحث و بررسی جداگانه‌ای است اما پیش از آن باید به یک شبهه جواب داد و آن مفسده انگیز نبودن در شرط چهارم است چراکه در صورت قائل بودن به این شرط، امر به معروف و نهی از منکر به صورت مطلق واجب نخواهد بود. بنابراین شرط مزبور مورد قبول واقع نمی‌شود و مؤید این قول همانند سخن پیشین قرآن، روایت، سخنان مفسران و نظر فقهاست.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، مؤثر بودن آن است، مقصود آن است که با اجرای این فریضه مردم از منکرها بازایستند و به معروف‌ها روی آورند. پس لازم است به مراتب آن به دقت توجه شود، اکثر قریب به اتفاق فقها بر آن اند که مراتب این واجب قلبی، زبانی، و عملی است و امر و نامی باید به آیت ترتیب از آن سه مرحله بگذرند (محقق حلی، ۱۴۰۶، ق، ج ۱، ص ۱۵، حکیم، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۸۹). هریک از این مراتب خود دارای مراحل است و باید گفت، مرحله اول و دوم این امر بر عموم مردم، اعم از حاکم و غیر حاکم واجب است. اما مرحله سوم همان مرحله عملی است و نیازمند تدبیر، قدرت و رعایت شروط و مراتب، بر عهده حکومت است، مؤید این قول نظر فقهاست که می‌گویند: امر و نهی در صورت منجر شدن به جرح و قتل، باید امام یا نایب او آن را انجام دهد یا اینکه با اذن او باشد. (طرابلسی، ۱۴۰۶، ق، ج ۱، ص ۳۴۱)

یکی از فقها در این زمینه می‌گوید: البته این دو فریضه بزرگ الهی مراتب گوناگونی دارد که برخی از آن مراتب عمومیت ندارد و اجرای آن تنها در اختیار حاکم شرع است، و آن اموری است که مربوط به مجازات‌های بدنی، اعم از شلاق و تازیانه، و در بعضی موارد قتل می‌شود، بنابراین امر به معروف و نهی از منکر گستره وسیعی دارد که شامل تعزیرات نیز می‌گردد. به عبارت دیگر، تعزیرات از زیرمجموعه‌های این دو فرضیه مهم اسلامی به شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ق، ص ۳۸ و ۳۹) مقام معظم رهبری در این زمینه می‌گویند: امر به معروف یک مرحله گفتن و یک مرحله عمل دارد. مرحله عمل یعنی اقدام با دست و بازو. این مرحله امروز به عهده حکومت است و باید با اجازه حکومت انجام بگیرد و لاغیر (خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۹ دی‌ماه ۱۳۶۸)

شهید مطهری در خصوص مرحله عملی می‌گوید: عامه حق ندارند از پیش خود دست به این‌گونه کارها بزنند این مرتبه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه حاکم شرعی و یا کسی است که از طرف حاکم شرعی اجازه و دستور این کار را داشته باشد. اگر به عامه مردم اجازه این کارها داده شود مستلزم هرج و مرج در اجتماع می‌شود. (مطهری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۱). از مطالب گفته شده به دست می‌آید که مرحله اول و دوم به معروف و نهی از منکر بر همه افراد واجب است اما مرحله عملی بر عهده دولت و حکومت اسلامی است.

ارزیابی امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی

در اینجا باید تشریح شود که قاعده امر به معروف و نهی از منکر از کدام جهات می‌تواند باعث تحقق حقوق شهروندی شود.

- شناخت از حقوق و تکالیف

اولین کارکرد مؤثر امر به معروف و نهی از منکر در حوزه حقوق شهروندی آن است که باعث شناخت افراد جامعه نسبت به حقوق و تکالیف آنان می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر به دلیل گرایش به فضائل اخلاقی و دور ساختن جامعه از رذایل اخلاقی، باعث پیوند قلوب افراد جامعه و دوری آنان از عوامل تفرقه‌انگیز می‌شود. بدین ترتیب، در جامعه اسلامی، جایگاه فرد در اجتماع و ارتباط آن دو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه رشد انسان‌ها در پرتو جامعه میسر است. در بینش اسلامی همه حقوق و وظایف برای این است که انسان به تکامل واقعی و قرب الهی برسد. امتیاز ادیان الهی به ویژه اسلام نسبت به سایر مکاتب بشری آن است که علاوه بر تأمین مصالح دنیوی مردم به فکر تأمین سلامت ابدی و اخروی آنان نیز هست و از این حیث مسؤولیت‌هایی برای همه افراد جامعه نیز در نظر می‌گیرد. تکلیف شهروندی ایجاب می‌کند که شهروندان بر اساس قاعده احسان، دعوت به خیر و نیکی

و پرهیز از منکر را در رأس زندگی عمومی قرار دهند. از این حیث، هر فرد مسئول امر به معروف و نهی از منکر است و ابعاد آن در سایر بخش‌های جامعه نیز ساری و جاری است. یادآوری فردفرد آحاد اجتماع یک ضمانت اجرایی قوی، دائمی و پیوسته است که باعث شناخت افراد به حقوق و وظایفشان در مقابل دیگران شده، راه اجرایی دیگر قوانین و مقررات را می‌گشاید. امام علی ع امر به معروف و نهی از منکر را از اوصاف پروردگار شمرده است. (مهجری، ۱۳۷۴: ۱۳۷)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در شکل‌گیری اعتماد عمومی تا جایی حائز اهمیت است که رویگردانی از این اعمال حتی می‌تواند باعث مجازات افراد رویگردان می‌شود. توضیح اینکه در صورتی که شرایط برای دفع ضرر مهیا باشد و شخص نسبت به این کار اقدام ننماید، مستحق مجازات شناخته می‌شود. بدین معنا می‌توان گفت احسان به معنی منفعت رساندن به دیگری است. بدین منظور که از آن منتفع گردد، مشروط بر آنکه از هرگونه زشتی مبرا باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۱۳) حتی از دیدگاه قرآن برای دستیابی به محیطی سالم و تحقق حقوق شهروندی و دستیابی به اعتماد عمومی، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی (آل عمران/۱۰۴) امری ضروری است. بنابراین آنچه در روایات در مورد حقوق شهروندی لازم به ذکر است، اینکه از بیان امامان معصوم (ع)، ایمان به خدا باعث پیوند میان هم نوعان و هم دینان گشته، به گونه‌ای که از آنان پیکری واحد می‌سازد و هریک سلامتی و رستگاری دیگری را سلامتی و رستگاری خود می‌دانند. با توجه به اینکه هر یک از مؤمنان دارای حقوقی قلبی-زبانی-عملی نسبت به یکدیگر می‌باشند، داشتن این دیدگاه پیوند دینی آنان را ملزم به رعایت حقوق یکدیگر می‌نماید.

– جلوگیری از بی‌عدالتی و فساد

قرآن می‌فرماید: اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن که تعدی می‌کند، بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد پس اگر بازگشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست دارد. (حجرات، ۹) بنابراین یکی از کاربردهای مهمی امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از حکومت و مسئولیت افراد فاسد و بی‌لیاقت در اداره امور جامعه است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: از تشویق همدیگر به انجام کارهای شایسته و بازداشتن از ارتکاب کار زشت خودداری نکنید و بدانید که اگر این کار را ترک کنید بدکاران بر شما مسلط می‌شوند وقتی آن‌ها مسلط شدند هر قدر دعا کنید دعای شما قبول نمی‌شود. (مجلسی، ق ۷۷/۹۷) بر این مبنا، یکی از راه‌های جلوگیری از تسلط افراد بد و مفسد اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. اما وقتی جامعه‌ای در زمینه نظارت و امر به معروف و نهی از منکر قانونی الزام‌آور نداشته باشد افراد به خود اجازه نصیحت و برخورد با دیگران را نخواهد داد.

بدین ترتیب از مهم‌ترین آثار امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه و ایجاد عدالت در آن است چراکه اگر در جامعه‌ای نظارت قوی وجود نداشته باشد هر کس می‌تواند خودسرانه هر کاری را به خواست خود انجام دهد و در صورت امکان، از هر موقعیتی و مال و ثروتی برای منافع و رفاه خود سوءاستفاده کند. نتیجه چنین وضعی به وجود آمدن بی‌عدالتی و تضییع حق دیگران است. امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرماید: در آخرالزمان، قومی هستند که دیگران از آنان پیروی می‌کنند. در میان آنان، دسته‌ای هستند رباکار که قرآن تلاوت می‌کنند و به ظواهر شرع تمسک می‌جویند، بی‌تجربه و کم‌خردند امر به معروف و نهی از منکر را بر خود واجب نمی‌شمرند، مگر آنگاه که از ضرر ایمن باشند، برای خود راه توجیه و عذر می‌تراشند، لغزش‌ها و آگاهی‌های فاسد علما را ملاک عمل خویش قرار می‌دهند، به نماز و روزه و چیزهای دیگر روی می‌آورند، تا جایی که به مال و جان آنان زیانی وارد نیاید.

همان‌گونه که از کامل‌ترین و اشرف فرایض دست کشیدند همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضه بسیار بزرگی است که به وسیله آن، سایر فرایض اقامه می‌گردد، و مذاهب امنیت می‌یابد و کسب‌وکار حلال می‌گردد و حق ستم دیدگان به آنان بازگردانده می‌شود و زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و امور به صلاح می‌گراید (حر عاملی، ۱۳۸۶، ق، ۱۱۹/۹) این روایت به صراحت بیان می‌کند که اقامه امر به معروف و نهی از منکر ارتباط مستقیمی با عدالت، امنیت، آبادی و دیگر ابعاد زندگی اجتماعی دارد و اجرایی شدن آن جز در سایه حمایت و قدرت حکومت اسلامی تحقق نخواهد پذیرفت.

بنابراین: ۱- امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و شروط خاص است که هم ملت و هم دولت باید آن‌ها را رعایت کنند تا نقش خود را که همان زدودن منکر و شناساندن معروف است، ایفا نمایند. ۲- امر به معروف و نهی از منکر مسئولیتی همگانی است که مرحله قبلی و زبانی آن بر عهده عموم مردم است که هم شامل دولت می‌شود و هم شامل عوام، مرحله عملی آن، که از شدت خاصی برخوردار است بر عهده حکومت اسلامی است تا با وضع قانون و اجرای مجازات، آن را در جامعه عملی کند. ۳- امر به معروف نهی از منکر یک وظیفه متقابل است برای حکومت نسبت به مردم و مردم نسبت به حکومت، و این تقابل سبب می‌شود که هر یک از افراد دولت و ملت خود را در قبال دیگری مسئول بداند و در انجام وظایف خود، کوتاهی نکند و دولت نتواند خودکامگی کند. ۴- امر به معروف و نهی از منکر ارتباط مستقیمی با حقوق افراد دارد که اگر این امر به صورت درست و کامل اجرا گردد سبب آبادی، عدالت و امنیت در جامعه خواهد شد. ۵- دولت و ملت در اجرای امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقه، دارای جایگاهی محکم و قوی هستند، اما در منابع حقوقی، غیر از اصل هشتم قانون اساسی، در قوانین عادی دیگر بدان تصریح نشده. ۶- دولت برای آنکه بتواند امر به معروف و نهی از

منکر را به نحو احسن در جامعه برقرار کند باید خود از طریق وضع قانون، نصب افراد برای اجرای آن و همچنین از طریق نهادهای فرهنگی این فرهنگ توسط رسانه‌ها، اداره‌ها و جوامع فرهنگی به اجرای این وظیفه اقدام کند.

– ایجاد روابط خوب میان شهروندان و ترویج اخلاق نیکو

اگر بتوان داشتن روابط خوب و مطلوب شهروندان با یکدیگر را از ارکان تحقق حقوق شهروندی تلقی نمود، در این صورت گسترش امر به معروف و نهی از منکر حامی اخلاق نیکو در جامعه و گسترش آن به شمار می‌رود. زیرا، داشتن روابط دوستانه و رفتار توأم با حسن خلق نقش اعتمادساز ایفا می‌نماید که حتی شامل روابط نیکو با غیرمسلمانان نیز می‌شود. بر این اساس، افراد غیرمسلمان به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که آشکارا به دشمنی با مسلمانان پرداختند، با آنان جنگیدند و آن‌ها را از خانه و کاشانه‌شان به زور بیرون کردند. مسلمانان باید در برابر این گروه، هرگونه رابطه‌ای را قطع کنند. گروه دیگر کسانی‌اند که با مسلمانان سر جنگ ندارند و در عین کفر و انحراف عقیدتی، رفتاری خصمانه با جامعه اسلامی در پیش نمی‌گیرند. برقراری پیوند با این گروه و نیکی کردن به آنان منعی ندارد و رعایت عدالت در تعامل با آن‌ها محبوب خداوند است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۳۳-۳۱) در همین راستا، مقوله حسن خلق، مخصوصاً روابط نیکو میان حاکمان و مردم همواره محل توجه بوده است. به طوری که بر نقش کارگزاران نظام سیاسی اسلام و همچنین نهادهای و ساختارها در جهت ترویج حسن خلق جهت گستراندن اعتماد عمومی توجه فراوانی شده است.

راه رسیدن به حسن خلق و اخلاق نیکو در آیات قرآن و سیره رسول گرامی اسلام و همچنین معصومین (ع) قابل مشاهده و عبرت‌آموز است. برای انسان، دو دشمن درونی و بیرونی وجود دارد، خداوند دو یار مهربان درونی و بیرونی نیز برای او قرار داده تا دستگیر او باشند و در صراط مستقیم خدایی و خلیفه شدن او را یاری رسانند. بر همین اساس در برابر دشمن درونی هواهای نفسانی، عقل را به عنوان یار و رهبر قرار داده و در برابر دشمن بیرونی وسوسه‌های شیطانی، پیامبران را فرستاده است. پس اگر انسان بتواند از عقل و وحی بهره بگیرد، می‌تواند در صراط مستقیم قرار گرفته و از طریق عبودیت (ذاریات/۵۶) خود را متخلق به اخلاق الهی کند که به شکل تعلیم و آموزش اسمی در انسان وجود دارد (بقره/۳۱) ضمن اینکه راه‌های بیرونی برای هدایت انسان‌ها و دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی وجود دارد که به طور مشخص در تعلیم و تربیت و آموزش درست انسان قابل حصول است. بر این اساس، با متخلق شدن به اخلاقی الهی، انسان در مقام خلیفه‌ی الهی می‌تواند رهایی خود و دیگران را تجربه کند و دوزخ دنیا به بهشت رضوان الهی تبدیل گردد و انسان در آرامش و آسایشی قرار گیرد که آرزو و آرمان دیرین اوست. به علاوه، خداوند متعال، در آیاتی چند به وضعیت بحرانی

انسان در دنیا اشاره می‌کند و وضعیت عمومی بشر را خسران و زیان ارزیابی می‌نماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» (عصر/۲) و تنها راه رهایی انسان از این دوزخ دنیوی که او را احاطه کرده و همه به ناچار از درون آن می‌گذرند. (مریم/۷۰-۷۱) این است که پیرو عقل و وحی باشند و از صراط مستقیم از درون این آتش دنیوی بگذرند و خود را سرگرم آرایه‌های حیات دنیوی نکنند و از زر و سیم برای خود آتشی درست نکنند که درون و پشت و پهلویشان را بسوزاند و ایشان را در قعر دوزخ برد و خود هیزم دوزخیان گردند. (توبه/۳۵؛ بقره/۲۴؛ آل عمران/۱۹؛ تحریم/۶) در میان فقهای معاصر نیز امام خمینی (ره) نیز بر مقوله حسن خلق و ترویج اصول آن در رسانه‌ها تأکید می‌کند. به تعبیر ایشان: «ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی‌ها، چیزهایی که جوانان ما را به تباهی کشید و می‌کشد، حذف شود و به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان‌های ما می‌آموزد و جوان‌های ما تربیت می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۵۹: ج ۹، ۴۵۶) عواملی که در نهایت باعث اعتماد عمومی در جامعه خواهد شد و نتایج و ثمرات آن نصیب مردم می‌گردد.

- ایجاد حس مسؤلیت پذیری، تعاون و مشارکت

امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اینکه حس مشارکت و تعاون به عنوان یکی از ملزومات تحقق حقوق شهروندی را مورد عنایت قرار می‌دهد، قابل توجه است. مسئله مشارکت عمومی و اجتماع در اسلام دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد. به همین خاطر مهم‌ترین احکام خود از قبیل، انفاق، نماز، جهاد، تقوای الهی و همین طور حج را بر اساس اجتماع قرار داده است. دین اسلام همواره مردم را به اجرای دستورات پروردگار دعوت می‌کند تا از این طریق علاوه بر تجلی معنوی و پاکی افراد، سعادت و کامیابی زندگی آن‌ها فراهم شود. (فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۲۳) در برخی از آیات قرآن کریم از انسان خواسته شده که با پیروی از شریعت اسلام با هم متحد باشند و به دور از اختلاف و تفرقه، زندگی اجتماعی خوبی داشته باشند. (فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۳۰) این آیات عبارت‌اند از: آل عمران/ سوره ۳۰، آیه ۱۰۳ و ۱۰۵ سوره آل عمران، انفعل/ سوره ۸۰، آیه ۴۶، انعام/ سوره ۶۰، آیه ۱۵۳ و ۱۵۹ سوره انعام.

در قرآن کریم آیات دیگری وجود دارد که مسلمانان از سوی خدا دعوت به اتحاد و انفاق، و به دست آوردن مزایا و منافع مادی و معنوی، اجتماعات خاصی را تشکیل دهند؛ مانند آیه ۱۰ سوره مائده، حجرات/ سوره ۴۹، آیه ۱۰، و آیه ۱۰ سوره حجرات. با توجه به تشکیل گروه‌های اجتماعی برای گسترش کارهای خیر و تعاون و مشارکت گروهی به دو آیه خواهیم پرداخت: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران آیه ۱۰۴) و در آیه دیگری از سوره مائده آیه ۲ می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ

الْعُدْوَانِ» مائده، آیه ۲ مطابق با این آیه مسلمانان موظف به تعاون در کارهایی هستند که دارای دو ویژگی می‌باشد: "التقوی" به معنای جلوگیری از اعمال خلاف می‌باشد و "البر" به معنای کار مفید و خوب است. بدین ترتیب تعاون در کارهایی توصیه شده که هم در چارچوب مقررات اسلامی باشد و هم مفید و خوب باشد. تعاون باید هم در مبارزه با بدی‌ها و هم در دعوت به نیکی‌ها انجام گیرد. در ادامه آیه مسلمانان از همکاری در اهداف نادر و باطل است و ستم و ظلم نهی می‌شوند.

وجود اعتماد لازمه هر نوع ارتباط چه سیاسی، تجاری، فرهنگی و چه اجتماعی می‌باشد. و هیچ رابطه‌ای در فضای بی‌اعتمادی برقرار نمی‌شود و اگر هم ارتباطی شکل گیرد، ناپایدار و سست خواهد بود. ارتباط مردم با مردم، مردم با حکومت از انواع ارتباط می‌باشد و هر کدام از آنان برای برقراری این ارتباط و مشارکت و تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های مختلف نیازمند اعتماد متقابل به همدیگر می‌باشند. دوام و بقای دولت‌های امروزی وابسته به حمایت و پشتیبانی مردم می‌باشد و مردم هم برای رفع نیازهای خود به ویژه آسایش و امنیت و مشارکت در امور جامعه، به ارتباط با دولت نیاز دارند. در جامعه‌ای که سطح اعتماد عمومی افزایش یابد مشارکت مردم با هم‌نوع خود و مردم با حکومت افزایش می‌یابد و در این راستا نیل به اهداف و خواسته‌های خود آسان می‌گردد. (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۳۹۵) در واقع هر قدر که دولت بتواند نیازها و انتظارات هنجاری مردم را برآورده سازد، بیشتر قابل اعتماد خواهد بود. اعتماد عمومی کارکردهای بسیار مهمی برای مردم به خصوص حکومت‌ها دارد. این کارکردها را می‌توان به دو بخش "رفتاری" و "گرایشی" تقسیم‌بندی کرد. در رابطه با اعتماد مردم و حکومت می‌توان گفت که کارکردهای رفتاری تأثیر بسیار زیادی بر جلب اعتماد طرفین دارد. به‌طور مثال می‌توان گفت که وقتی اعتماد در سطح بالایی وجود داشته باشد، کارآمدی دولت هم به شدت افزایش پیدا خواهد کرد، زیرا تصمیمات سیاسی دولت توسط شهروندان پذیرفته می‌شود و سیاستمداران فرصت بیشتری برای اداره کشور پیدا می‌کنند. در محیطی که اعتماد وجود نداشته باشد، دولت نخواهد توانست به اهداف خود برسد و توانایی حل مشکلات توسط رهبران سیاسی کاهش می‌یابد و در نهایت به بی‌اعتمادی منجر می‌گردد. (همان: ۱۷۳) در تمام دولت‌ها و نظام‌های سیاسی دولت نیازمند جلب حمایت مردم می‌باشد. همچنین شهروندان برای نیل به اهداف خود باید اعتماد دولت و نظام حکومتی را جلب کنند. (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۷۴) در رابطه با کارکردهای گرایشی می‌توان گفت که گرایش افراد نسبت به هم دیگر یا گرایش مردم به دولت و دولت به مردم تأثیر فوق‌العاده‌ای در ایجاد اعتماد عمومی دارد هرچقدر گرایش نسبت به هم بیشتر باشد از تأثیرگذاری و مشارکت بیشتری برخوردار خواهند بود. مثلاً اعتماد سیاسی بر گرایش مردم به میزان توزیع قدرت میان حکومت محلی و دولت ملی مؤثر می‌باشد. (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۷۱ - ۱۷۲) یکی از کارکردهای اعتماد حمایت می‌باشد. رابطه حمایت و اعتماد عمومی مستقیم و دوطرفه است. به عنوان مثال

هرچقدر اعتماد مردم به سیاست و دولت بیشتر باشد به همان اندازه از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دولت حمایت می‌کنند. بدین ترتیب برای افزایش قدرت تصمیم‌گیری دولت سعی دارد اعتماد سیاسی مردم را جلب کند. وقتی دولت قصد اجرای برنامه‌ای را دارد حمایت سیاسی مردم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌شود. در این میان دولت از مردم تقاضا می‌کند بخشی از منافع اقتصادی و مادی خود را قربانی کنند و از آن چشم‌پوشند. اگر اعتماد مردم به دولت در سطح بالایی قرار داشته باشد مردم احساس ضرر و زیان نخواهند کرد، بلکه برآنند که در آینده‌ای نه‌چندان دور سود این اقدام به آن‌ها باز گردانده خواهد شد. (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۷۲).

در همین راستا می‌توان بیان کرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن حق و عدالت کوشیده است که به مردم جامعه خود بفهماند در راه رشد و تعالی خود و جامعه باید بر اساس حق و عدل به دیگران اعتماد و با هم مشارکت و همدلی کنند. حکومت اسلامی ایران تلاش کرده است تا با ایجاد محیطی مناسب برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس تقوا و ایمان و مبارزه با کلیه مظاهر تباهی و فساد و همچنین با بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از رسانه‌ها و مطبوعات گروهی و وسایل دیگر، زمینه رسیدن به خواسته و اهداف خود را فراهم سازد. (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳: ۱۵) دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر در جمهوری اسلامی ایران وظیفه‌ای است که همه مردم باید به صورت همگانی و متقابل نسبت به یکدیگر، مردم نسبت به دولت و دولت نسبت به مردم رعایت کنند و حدود و شرایط آن را قانون معین کرده است. در حقیقت اصولی را که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید کرده است اگر در روابط و زندگی روزمره خود قرار دهیم می‌توان به سعادت رسید و در کمال آرامش و راحتی به اهداف خود دست یافت. (همان: ۱۶).

نتیجه‌گیری

برای کسب و دستیابی به حقوق شهروندی که البته متعدد و گسترده هستند، نیازمند زندگی اخلاقی، قانون‌مندی، احساس مسئولیت‌پذیری، دفع خطرات و آفات در زندگی اجتماعی و سیاسی، کوشش برای بهبود زندگی، مشارکت در امور مختلف جامعه و داشتن زیست اخلاقی مطلوب هستیم. هر یک این محاسن فردی و اجتماعی با بهره‌گیری از قاعده فقه امر به معروف و نهی از منکر قابل حصول است. بدین ترتیب باید گفت که تحقق حقوق مردم که در فقه اسلامی از آن تحت عنوان حق الناس یاد می‌شود، از طریق قاعده فقهی امر به معروف و نهی از منکر قابل دستیابی است. بر این اساس تقدم حقوق مردم بر حقوق الهی می‌تواند اولین مبنای حقوق مردم قلمداد گردد و اعتماد عمومی را به وجود بیاورد. در این صورت کرامت انسانی که خداوند در آیه ۷۰ سوره حجرات به آن اشاره فرموده است؛ هدف و غایت حقوق شهروندی می‌باشد و تقدم حق الناس مبنایی می‌باشد، برای رسیدن به این کرامت

ذاتی انسان، خدای متعال نیز بر اهمیت حق الناس تأکید کرده تا مردم را به رعایت حقوق یکدیگر وادار کند و از تعدی و تجاوز باز دارد. رویکردهای مطرح شده هر یک می‌تواند باعث تقویت و تولید اعتماد عمومی در جامعه شود و زندگی در جامعه را بر مبنای اصول مساوات، برابری و در یک کلام حق الناس سامان ببخشد. بُعد اجتماعی حقوق شهروندی نیازمند کاربست قواعد فقهی مهمی نظیر امر به معروف و نهی از منکر است.

حقوق شهروندی در عین حالی که فارغ از حقوق فردی نیست ماهیتی جمع‌گرایانه دارد و مجموعه قواعد و مقرراتی است که در مناسبات اجتماعی افراد حاکم است اما حقوق بشر حداقل در نسل‌های اولیه خود و ابتدای شکل‌گیری ماهیتی بیشتر فردگرایانه دارد و فرد را در مقابل دولت حمایت می‌کند ولی همین ویژگی جمع‌گرایانه بودن حقوق شهروندی و مسئولیت دوگانه فرد در قبال دولت و آحاد جامعه باعث ایجاد مشارکت او در جامعه می‌گردد. در هر صورت شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است که بر برابری، عدالت و استقلال تکیه دارد و بر مبنای اعتماد عمومی شکل گرفته است. اعتماد عمومی میان مردم باعث شکل‌گیری نهادهای مدنی برای دستیابی به حقوق شهروندی می‌شود و اعتماد افقی، نوعی اعتماد میان نظام سیاسی و مردم است که باعث شکل‌گیری نگرش سازنده میان شهروندان و نظام سیاسی است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آزاد ارمکی، تقی، کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶)، وسائل الشیعه، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر کتابچی.
- حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۰). منهج الصالحین، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.
- ردادی، محسن (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، فصلنامه راهبرد یاس، شمار ۱۶.
- روشن، محمد، بیرانوند، رضا، یاراحمدی، حسین (۱۳۹۳)، حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۰.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طرابلسی، عبدالعزیز، قاضی، ابن براج. (۱۴۰۶)، المهدب، قم، انتشارات اسلامی.
- فتحی، سروش، مختارپور، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی و نقش رسانه‌های تصویری در تغییر سبک زندگی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره دوم.
- فسیحی، امان‌الله (۱۳۸۶)، دین و سرمایه اجتماعی، مجله معرفت، شماره ۱۲۳، صص ۲۳-۴۴.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۶۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلی، (۱۴۰۹)، شرایع الاسلام، بیروت، بیروت: انتشارات الزهرا.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳، تفسیر نمونه، چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۳)، رساله استفتائات، تهران، نشر تفکر.
- مهاجری، علی (۱۳۷۴)، جرائم کارکنان دولت، تهران: انتشارات کیهان.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۵۹)، صحیفه نور، جلد ۱۹، سخنان معظم له در جمع اعضای هیات تحریریه مجله سروش، ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹.
- موسوی، یعقوب (۱۳۸۰)، تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری، دانش انتظامی، شماره ۱۱، زمستان ۸۰.